

نقش تفسیر تنزیلی در پیشرفت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۰۳

عبدالکریم بهجت پور *

چکیده

تمایل به پیشرفت و شکوفاساختن ظرفیت‌های فردی و اجتماعی در انسان امری تردیدناپذیر است. قرآن که پاسخ به نیازهای انسان است، به این خواست فطری پاسخ گفته است. تفسیر تنزیلی حکیمانه تأمین راه‌های پیشرفت را با نگاهی فرایندی و نظام‌واره‌ای کشف و بر جوامع غیر معاصر نزول تطبیق می‌کند. الزامات تفسیرنگاری تنزیلی پیشرفت‌نگر عبارت‌اند از: بینش سیستمی به موضوعات قرآن و انسجام درونی آیات، سوره‌ها و مجموعه منظم نزول سوره‌ها؛ لزوم توجه به اغراض سوره‌ای و اهداف بین سوره‌ای؛ توجه به سیاق حتی سیاق‌های بین سوره‌ای؛ تقسیم مراحل نزول سوره‌ها به تبع فرایند تحول مخاطبان قرآن؛ توجه به مخاطبان آیات و توجه به شرایط محیطی سوره‌ها و آیات و اصرار بر سرایت دستاوردهای پژوهش پیشرفت‌نگر قرآن به عصرها و فرهنگ‌های پس از نزول. تفاسیر پیشرفت‌نگر دچار آسیب‌هایی چون بی‌توجهی به ماهیت نزول تدریجی قرآن، فقدان نگاه فرایندی به مسائل مطرح‌شده در قرآن، بی‌عنایتی به ترکیب معنادار مفاهیم اسلامی، فقدان نگاه جامع سیستمی به قرآن، عدم توجه به گستردگی سیاق‌های قراسوره‌ای، کمبود حساسیت نظری به نظامات موجود در درون قرآن و تمرکز بر نظامات ذهنی یا سازمان‌های علمی خارج از قرآن و درنهایت به‌روزرسانی نکردن حاصل دستاوردهای تفسیری است.

واژگان کلیدی: تفسیر تنزیلی، تفسیر تنزیلی موضوعی، تفسیر تنزیلی تریبی، روش‌ها، پیشرفت، عصری‌سازی قرآن.

* دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. abp114@yahoo.com

۱. مقدمه

تولید و توسعه دانش تفسیر قرآن مرهون سه مؤلفه ظرفیت‌های درونی متن قرآن، توانایی و مهارت‌های مفسر و تحولات، سؤالات و مطالبات شکل‌گرفته در خارج و محیط واقع است. مناہج تفسیری (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۸، ص ۴۵-۵۱/ مؤدب، ۱۳۸۰، ص ۲۱-۳۳/ بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵-۳۷) و مناہج مفسران (برای بررسی این واژه، ر.ک. ایازی، ۱۴۱۴ق، مقدمه) و سبک‌های تفسیری (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۸/ ایازی، ۱۴۱۴ق/ بهجت‌پور، ۱۳۹۲) در گذر زمان از این سه عامل تأثیر گرفته‌اند. در سایه این سه مؤلفه دریافت‌ها و اکتشافات از قرآن و کشف مرادهای خدای متعال فرایند رو به رشد و تزییدی یافته است. در آغاز تفسیر، رنگ روایی و نقلی داشت. مطالب این دوره عمده در تفاسیر روایی مثل قمی، عیاشی، یا مجامع روایی مثل بخاری و مسلم ثبت شد. به تدریج استفاده از مباحث ادبی و لغت‌شناسی در تفسیر چهره نمود (ر.ک: طبری، ۱۴۱۵ق). پس از آن رویکرد تفسیر با استفاده از منابع کلامی (ر.ک: طوسی، [بی‌تا]/ فخررازی، ۱۴۲۰ق)، بلاغی (ر.ک: زمخشری، ۱۴۱۴ق/ طبرسی، ۱۳۷۷)، فقهی (برای نمونه، ر.ک: جصاص، ۱۴۰۵ق/ مقدس اردبیلی، [بی‌تا])، عرفانی و شهودی (برای نمونه، ر.ک: سلمی، ۱۳۶۹/ ابن عربی، [بی‌تا]) و فلسفی (برای نمونه، ر.ک: ملاصدر، ۱۳۶۱) نگارش شد. نوع دیگر تفسیرنگاری‌ها بر پایه استفاده از تمام منابع بود. این تفاسیر را جامع نقل و عقل دانسته‌اند. از جمله می‌توان تفاسیر *مجمع البیان* و *روح المعانی* را نام برد. در دوره معاصر تفسیر بر پایه تمرکز بر خود قرآن مثل تفسیر *المیزان* علامه طباطبایی، تفسیر با رویکرد اجتماعی و علمی، مثل *المنار* تألیف محمد عبده و رشید رضا و تفسیر بر پایه استفاده از علوم تجربی و طبیعی محض مثل *الجواهر طنطاوی* یا مطالعه تطبیقی و محاکمه آرا در یک منبع مثل روایت و نقل در تفسیر اثری جامع استاد معرفت شهرت دارند و البته گذر از خامی‌ها به تجربه‌آموزی و ورزیدگی از آسیب‌ها به‌دور نبوده است. بوده‌اند کسانی که با استفاده از منابع علوم طبیعی یا انسانی دریافت‌های ناقص خود را مرادهای جدی خدای متعال پنداشته‌اند و از استحسان و تفسیر به رأی در امان نبوده‌اند.

تفسیر در طول تاریخ در سبک مطالعه آیات و سور نیز تغییراتی را تجربه کرده است و از تفسیر بر پایه ترتیب سوره‌های مصحف رسمی به تفسیر موضوعی رو آورده است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۳/ سبحانی، [بی تا]/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵/ جوادی آملی، ۱۳۷۸). تغییر سبک تابع سؤالاتی از مرادهای خدای متعال است که مفسر در پی پاسخ آن است. اگر از مرادهای سوره به سوره آیات سؤال داشت، ترتیب مصحف وی را کفایت می‌کرد؛ اما اگر سؤال از دیدگاه قرآن درباره هر یک از عناصر توزیع شده در آیات قرآن مثل سؤال از جایگاه عقل در قرآن و معاد در قرآن بود، چاره‌ای از تغییر سبک به موضوعی نبود.

بخش قابل توجهی از سبک‌های مذکور محصول مطالبات بیرونی و پرسش‌هایی بود که از خارج ذهن مفسر بر او تحمیل می‌شد و از وی مطالبه می‌کرد تا درباره آن مطالبه در قرآن اظهار نظر کند؛ از این رو انتظارات بیرونی که در اصطلاح دانشمندان علوم قرآن «اتجاه» نامیده می‌شود، موجب شد مفسران در پاسخ به انتظارات پیش آمده تلاش کنند. رویکرد مفسر به این خواست بیرونی در جای خود گاه به خلق روش‌ها (استفاده از منبع یا منابع خاص در تفسیر) یا سبک‌ها (ریختی که مفسر به مطالعه قرآن می‌داد) انجامید.

این مطلب به معنای گفته کسانی نیست که مدعی‌اند «عبارات، نه آبتن که گرسنه معانی‌اند، حکیم آنها را چون دهان‌هایی باز می‌بیند، نه چون شکم‌های پر و معانی، مسبوق و مصبوغ به ثنوی‌ها هستند. عبارات گرسنه معانی‌اند نه آبتن آنها» (سروش، ۱۳۷۳، ص ۳۹۴)؛ بلکه به عکس، مراد کشف ظرفیت و داشته‌های پنهان متن قرآن است؛ چنان‌که طبیعت واجد ظرفیت‌هایی است که تلاش علمی بشر کشف آنها و استفاده از آنها در تقلیل آلام بشر و تقویت بهره‌مندی وی بوده است.

۲. پیشرفت در قرآن

پیشرفت مقوله‌ای جذاب موافق با خواست ذاتی بشر و توجیه‌کننده تلاش‌های مستمر

انسان‌ها در طول قرون و اعصار است. هرگونه تلاش علمی و فناورانه و هر تلاش فردی و اجتماعی انسان‌ها توجیه‌کننده در سایه میل به پیشرفت و توسعه و کنارزدن موانع پیش روی بشر در یکی از ساحت‌های رفع رنج و درد یا کسب لذت و بهره بیشتر وی بوده است. به زبان دیگر، اصولاً هدف ذاتی فعالیت‌های بشر در دو کلمه رفع تمام رنج‌ها و جلب منافع و بهره‌های خالص و پایدار و مستمر تفسیر می‌شود. رسیدن به این هدف تلاش‌های فردی و اجتماعی و دینی و مذهبی را توجیه می‌کند. میل به پیشرفت در تأمین این خواست ذاتی و غیرنیازمند به تعلیل لازمه عقلی ذاتی بودن آن است؛ بنابراین دین و مذهبی که برای تأمین سعادت و رهایی انسان از شقاوت برنامه دارد، به‌طورطبیعی پیشرفت در این عرصه را مطمح نظر دارد. درواقع پیشرفت در ذات دین مذکور نهفته است. پس هر اقدام دانشی و فناورانه، اجتماعی، تربیتی و دینی هوشیارانه یا غیرهوشیارانه با جریان پیشرفت همراه است؛ زیرا خروج از قوه‌ها و فعال کردن ظرفیت‌ها چیزی جز پیشرفت نیست؟

قرآن کتاب رفع‌کننده شقاوت‌ها و تأمین‌کننده سعادت بشر است و لاجرم کتاب انسان‌ساز و تحول‌آفرین و برنامه پیشرفت انسان است. پیشرفتی که به مدد مدیریت تحول و به اذن پروردگار از بسته تاریک بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتار خارج کرده، به کانون نور بینش و گرایش و رفتار بالا می‌برد و انسان را برای حرکت مستمر و پیشرفت نامتناهی روی صراط‌های عزیز حکیم قرار می‌دهد (ابراهیم: ۲).

نجات از شقاوت و وصول به سعادت؛ آرمان یا هدف

گذشت که هدف از نزول قرآن پاسخ نیازهای ذاتی انسان در دو ناحیه رفع شقاوت و رنج‌های ماندگار و تحصیل لذت خالص و پایدار است که در قرآن از آن به عنوان سعادت یاد شده است (هود: ۱۰۷). حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب، ملازم با دوری از ینامطلوب و نزدیک‌ترشدن به شرایط مطلوب است. از این تحول به عنوان «پیشرفت» یاد می‌شود.

پیشرفت، تحول و لوازم آن

پیشرفت ترقی کردن، حرکت رو به جلو (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، حرف «پ»، ص ۵۹۷۹) بر پایه توجه به هدف، راهی استوار و بینش‌ها و روش‌هایی ریشه‌دار و منطقی است. توسعه و پیشرفت در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱). تحول در لغت دگرگون‌شدن و از جایی به جایی شدن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، حرف «ت»، ص ۶۴۹۳)؛ اما مراد ما از استعمال این، واژه هرگونه دگرگونی نیست؛ بلکه منظور از آن، دگرگونی رو به کمال و برطرف کردن نقص‌ها و پرکردن خلأها و عرضه تازه‌های مفید و به‌کارگیری روش‌های مؤثر است و در یک کلمه تحول مطلوب مورد نظر ماست. از این تعاریف دریافت می‌شود که پیشرفت و تحول مثبت، هدف و آرمان دارد؛ آرمان‌ها و اهداف نوع جهت‌گیری‌ها، رویه‌ها، روش و الزامات پیشرفت را توضیح می‌دهد. بر این اساس تناسب بین آرمان‌ها و روش‌ها و رویکردها توضیح می‌یابد.

۱-۲. پایان‌ناپذیری پیشرفت در قرآن

هرگاه حرکت در مسیر آرمان‌های بلند باشد، نهایی نخواهد داشت؛ از این رو پیشرفت و تحول قرآن پایان‌ناپذیر می‌شود و دچار ایستایی و توقف نمی‌گردد. مسئله جالب توجه آنکه در قرآن سعادت و شقاوت دارای مراتبی پایان‌ناپذیر می‌باشد؛ به عبارت روشن‌تر پیشرفت در قرآن در عین آنکه پایدار است، از حرکت و تکامل نمی‌افتد و ملازم با شرایط جدید و متناسب با آرمان‌های بلند دوری از شقاوت و رنج پایدار و تحصیل بهره‌ها و لذت‌های ناب و خالص می‌باشد. شاهد آنکه خدای متعال در آیه ۲ سوره ابراهیم پیامبر را مأمور می‌کند مردم را در راه مستقیم وارد کند و در آن جاده حرکت دهد: «لتخرج الناس من الظلمات الى النور باذن ربهم الى صراط العزيز الحميد» (ابراهیم: ۲). گویا پایان مأموریت ایشان حرکت دادن مردم در راه عزت و ستودگی است و پیشرفت مستمر بدون توقف و ایستایی مأموریت آن حضرت است. شاید آیه ۲۵ سوره

حدید که در آن برپایی مردم به عدالت‌خواهی هدف شمرده شده، همین مطلب را تأکید کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: ما پیامبرانمان را با برهان‌ها [ی روشن] فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند...» (حدید: ۲۵).

۲-۲. تأثیر توجه به پیشرفت در روش‌ها، سبک‌ها و رویکردهای تفسیر قرآن

آیا پیشرفت در قرآن در ذات تفسیر رنگ و نقشی به همراه دارد؟ گذشت که دانش تفسیر از علوم ابزاری و منابعی چون ادبیات عرب و علوم بلاغی، منطق، قرآن، سنت رسول اکرم ﷺ، سنت ائمه اطهار علیهم‌السلام، اقوال صحابه و تابعان ایشان، علوم عقلی و شهودی چون فلسفه، کلام، عرفان، فقه، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی بهره گرفته است. استفاده از این منابع موجب تولید روش‌ها و گرایش‌های تفسیری شده است. هر یک از این علوم و منابع، مفسران را یاری رسانده است تا از جنبه‌هایی از قابلیت‌های کتاب تشریح خدای متعال را پرده‌برداری کرده، مرادهای خدای متعال را به دست آورند؛ چنان‌که علوم مختلف طبیعت و علوم اجتماعی انسان را به رازهای هستی و کشف حقایق نهفته در آن توفیق داده است. مطالعه الفاظ و عبارات قرآن زمینه شده است تا برای فهم تفصیلی لایه‌هایی از معارف و توصیه‌های این کتاب، سراغ علوم ابزاری و منابع فوق روند.

اگر قرآن در ذات خود با تحول و رشد عجین باشد، اما مفسر خود را بر کنار از نگاه تحولی قرآن کرده باشد، نتیجه‌ای مگر نقص در تفسیر و خروج از دایره مرادهای خدای متعال و سرگرمی به مقدمات و قابلیت‌های آلی قرآن مثل ادبیات، بلاغت، یا دستاویز مذاهب و فرق برای اثبات دیدگاه‌های کلامی و فلسفی و شهودی و غیر آن نمی‌شود. در این صورت حقیقت تفسیر اتفاق نیفتاده است. تفسیر آن‌گاه به کمال و حقیقت خود نزدیک خواهد شد که مرادهای خدا را در مسائلی چون ماهیت، ابزار، مراتب، مراحل، آسیب‌ها و پایش‌های پیشرفت دینی و معنوی که رسالت قرآن است،

طبری، شیخ طوسی و شیخ طبرسی چنین‌اند. این نگاه غالباً محتوای قرآن را شامل حلققات بریده و قطعات بینشی و ارزشی و رفتاری متفرق کرده و مرادهای خدای متعال را در هویت جمعی آیات گردآمده در سوره یا مجموع آیات مربوط به موضوع در تمام قرآن پیگیری نکرده است. در مقابل و به تدریج خصوصاً در تفاسیر مربوط به قرن اخیر شاهد نگاه جامع و کلان به آیات حتی ساختارها و سازمان آیات در سوره‌ها هستیم. در این نگاه افزون بر مرادهای خدای متعال در هر یک از آیات، تلقی آن است که خدای حکیم در ترکیب آیات و چینش آنها در یک سوره، پیام‌هایی برای مخاطبان دارد که لابد باید شناخته شود. در این دوره توجه به موضوعات و اغراض سوره‌ها، توجه به جهت‌گیری سوره و جو حاکم بر سوره‌ها و نیز تلاش برای انسجام و تناسب سوره‌ها مورد توجه جدی قرار گرفته است (ر.ک: عبده و رشید رضا، [بی‌تا] / سید قطب، ۱۴۱۲، مراغی، ۱۴۱۲ / طباطبایی، ۱۴۱۷)

با وارد شدن مؤلفه دیگری به نام روش‌ها در کنار ابعاد محتوایی و تلاش برای فهم مهندسی قرآن در کیفیت انتقال مفاهیم دینی به مخاطبان موافق، مخالف و پیامبر، شاهد تغییراتی در سبک تفسیری شدیم. سبک تفسیر تنزیلی پس از دوره اولیه تلاش دارد این ظرفیت قرآن را استکشاف و استخراج نماید. ملاحظه می‌کنید که این نگاه‌ها به تدریج رویکردهای تفسیر ترتیبی و سبک‌های تفسیر را تکامل داده است تا بر پایه روش‌های علمی صحیح لایه‌های دیگری از معارف قرآن را به ذخیره قبل افزون کند.

سؤال از روش‌های تحول و پیشرفت، نقش مهمی در تحول در سبک‌های تفسیری خواهد داشت. به نظر می‌رسد برای فهم تحول و تحلیل پیشرفت دینی و معنوی از منظر قرآن دو بایسته لازم است. این دو بایسته متغیرهایی هستند که در تفسیر مورد اهتمام هستند؛ بایسته اول توجه به نزول تدریجی قرآن و بایسته دوم توجه به رابطه قرآن با واقعیت خارجی که معاصران نزول در آن زندگی می‌کردند. این دو بایسته الزاماتی را بر عملیات تفسیر پدید آورده که در اینجا به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱-۳. ایجاد سبک تفسیر تنزیلی، الزام بایسته اول (نزول تدریجی قرآن)

بنا بر بایسته اول، مرادهای خدای متعال تنها در حیثیت جمعی آیات و سُورِ قرآن نیست، بلکه بخش قابل توجهی از مرادهای قرآن با نزول تدریجی و تفریقی آیات و سوره ارتباط دارد (فرقان: ۳۲/ اسراء: ۱۰۶/ ر.ک: بهجت پور، ۱۳۸۸، ص ۳۶). بر مفسر لازم است قرآن را بر پایه نزول تدریجی مطالعه کند. پیام‌های نزول تدریجی آن‌گاه قابل انتساب به خدای متعال است که سیر نزول آنها و حکمت تقدم و تأخرهای آنها و نسبت و تناسب مفاهیم متفاوت و مختلف و کیفیت توزیع آنها مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد. این بایسته می‌تواند در دو ساحت تفسیر ترتیبی و موضوعی موجد دو سبک تفسیری تنزیلی ترتیبی و تنزیلی موضوعی شود.

برای پژوهش‌های پیشرفت‌نگر لازم است نخست مسئله پژوهش یا دست‌کم موضوع آن روشن شود. گاه موضع و مسئله پژوهش تحول جامع است و گاه فرهنگ‌سازی درباره عنصری خاص مثل تربیت موحد، تربیت معادباوری، ایمان و اطاعت از رسول، ایمان و تمسک به قرآن و نظائر آن باشد. سبک تفسیر تنزیلی ترتیبی برای پژوهش‌های دسته اول و سبک تنزیلی موضوعی برای پژوهش‌های دسته دوم است.

توجه به این نکته ضروری است که روش درست تفسیر تنزیلی ترتیبی بر پایه ترتیب نزول سوره‌های قرآن می‌باشد و اقدام به تفسیر تنزیلی با گسستن آیات سوره‌ها و بهم‌زدن چینش آیات در سوره‌ها چنان‌که در تفسیر پایه‌پای وحی مهدی بازرگان شاهد هستیم، موجه نیست؛ زیرا غالب سوره‌ها یکجا و با همین ترکیب نازل شد یا در دفعات پی‌درپی به هم ملحق گردید و با نزول «بسم الله الرحمن الرحیم» تشخیص داده شد که آیات سوره به اتمام رسیده است و در مواردی بسیار نادر و استثنایی آیاتی به سوره ملحق شده که شاید از تعداد انگشتان دست تجاوز نکند. کار مفسر تشخیص این موارد و توضیح حکمت الحاق آنها به سوره است (ر.ک: بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹-۲۰۶)؛ از این رو تفسیر ترتیبی تنزیلی سوره‌ای اجرا می‌شود و نیازی به برهم‌زدن نظام

سوره‌ها نیست.

۱-۱-۳. تعریف تفصیلی از الگوی تفسیر تنزیلی

مراد از تنزیل آن است که مفسر تمام توجه خود را معطوف به فهم قرآن در هنگام نزول برابر با عناصر دخیل در نزول آیات مثل مخاطبان مستقیم، فرهنگ و تحولات اجتماعی مقارن با نزول آیات، سیر تحولی جامعه هدف و گونه‌های مختلف طبقات ایمانی و اجتماعی کند. در این سبک تفسیری به‌وفور بر تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر بر پایه سنت و اقوال صحابه توجه می‌شود و تلاش می‌گردد حداکثر اطلاع از دانش‌هایی که مفسر را با متن و واقع خارجی مقارن نزول نزدیک کند، به دست آید؛ از این رو به جو نزول، فضای نزول و اسباب نزول و ترتیب نزول سوره‌های قرآن توجه می‌کنیم.

این سبک تفسیری به‌طور هوشمندانه در صدد تفکیک عناصر مرتبط با نزول قرآن، ولی خارج از شرایط و وضعیت‌های هنگام نزول است. اموری مثل افراد و جریان‌های مشابهی که بعدها آیات درباره آنها تطبیق می‌شود، این تطبیقات شاخه‌ای از تأویل‌اند و تفسیر تنزیلی در برابر تأویل یا تطبیق قرار خواهد گرفت (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰). سبک تفسیر تنزیلی در جداسازی هوشمندانه معانی باطنی که در هنگام نزول مراد نبوده‌اند، تبیینات که به منظور تفصیل مجملات قرآن از سوی معصومان بیان شده‌اند، فهم‌های جدید مطابق با پیشرفت‌های علمی و فلسفی که عرب معاصر با آن مخاطب قرار نگرفته است، می‌پردازد. این دسته مرادهای خدای متعال مرادهای پس از تنزیل شمرده می‌شود که از همان ابتدا در ظرفیت کلام خدای متعال اشراب شده است؛ لکن در سایه تنزیل قرآن قرار داشته‌اند. می‌توان این لایه‌های فهم را فهم‌های تکمیلی و از جمله پدیده‌های فراتفسیر شمرد. این گونه فهم‌ها حظ و بهره‌های بعد از نزول است که لابد برای عمق و گسترش فهم قرآنی نسل‌های جدید ثمربخش می‌باشند.

۲-۱-۳. جایگاه پارادایمی تفسیر تنزیلی پیشرفت‌نگر

این سبک تفسیری در پارادایم (الگو و مدل تفکر مسلط و چارچوب فکری و فرهنگی غالب بر یک گروه یا یک جامعه) حاکم بر تفاسیر اسلامی عمل می‌کند و تنها از جهت

اتجاه و رویکرد تفسیری با آنها متفاوت است. این سبک تمایل دارد پاسخ پرسش مهم روش‌های ایجاد تحول را در اجتماع بشری بدهد و با این رویکرد به تفسیر قرآن متکی بر منابع اصیل و شناخته‌شده تفسیری و بهره از تأویل قرآن برای انتقال داده‌های قرآنی به عصر حاضر می‌پردازد. هرچند بر برخی منابع علمی خاصی تأکید می‌کند، منابع خودویژه‌ای ندارد تا به سبب آن، بنیادگر روش تفسیری نوی باشد. بله شاید به جهت استفاده از علومی متناسب با ماهیت پیشرفت و تحول این سبک دارای گرایش و رنگ تفسیری ویژه‌ای شماره شود.

۳-۱-۳. مبانی سبک تنزیلی پیشرفت نگر

پیشرفت عرصه‌های گوناگونی دارد؛ برخی از این عرصه‌ها مثل پیشرفت معنوی و دینی در ماهیت رسالت قرآن نهفته است و برخی از عرصه‌های پیشرفت مثل پیشرفت در عرصه‌های مختلف زندگی و پیشرفت فکری در ضمن رسالت قرآن قابل پیگیری است. با ملاحظه رابطه سبک تنزیلی با مقوله پیشرفت هست‌هایی شناسایی می‌شود که نقش مبانی را در این سبک تفسیری دارند:

۱. قرآن متنی برای پیشرفت و تحول بود. پیشرفت همه‌جانبه اقتضای نزول تدریجی قرآن را کرد.
۲. قرآن در ساختار نزول و ترتیب نزول حکیمانه نازل شده است و بخشی از مرادهای خدای متعال از راه شناخت ترتیب نزول و فرایندهای تحول شناخته می‌شود.
۳. قرآن هماهنگ با فطرت است و البته مطالبات تربیت اقتضا می‌کند ویژگی‌های جامعه موضوع تحول در نظر گرفته شود.
۴. زبان قرآن تربیتی و تحولی بوده است. قرآن با هدف خروج مردم از بسته تاریک اندیشه و گرایش و رفتار بوده و با رساندن مردم به راه مستقیم به سمت آرمان‌ها حرکت را ادامه می‌دهد.
۵. آرمان بلند و نهایی قرآن نجات مخاطبان از شقاوت و رساندنشان به سعادت است.

۶. قرآن متنی ناظر به واقع است؛ لکن در واقع باقی نمی‌ماند، بلکه واقع بهانه و ضرب‌المثل قرآن را تشکیل می‌دهد. قرآن ناظر به معاصران مستقیم پیامبر نازل شده است و دیگران تطبیقات قرآن به شمار می‌روند.

۴-۱-۳. ویژگی‌های روش علمی پیشرفت‌نگر در سبک تنزیلی

مبانی فوق الزاماتی در روش علمی تفسیر پدید می‌آورد که می‌توان برخی از بندهای آن را چنین شماره کرد:

۱. اصرار بر نگاه تربیتی و سیستمی در پژوهش‌های پیشرفت‌نگر و بالتبع تلاش برای کشف حداکثری انسجام درونی قرآن به ترتیب نزول عبارات در آیه، آیه در بخش و سیاق و سیاق‌ها در سوره و سوره‌ها در ترتیب نزول.

۲. محور قراردادن غرض‌های مستقیم سوره و آیات. هر سوره شامل تعدادی از آیات است که به منظور تحقق هدفی حکیمانه از سوی خدای متعال با ترتیبی حکیمانه قرار گرفته‌اند و تفاوت تعداد آیات سوره‌ها تابعی از غرض مورد نظر برای نزول سوره بوده است. مفسر در صدد مرادهای خدای متعال هستند. این مطلب الزام می‌کند پیام‌ها و مقاصد الهی نهفته در کلان‌سوره، بخش‌ها و آیات قرآن واکاوی شوند و در روش علمی مفسر این جنبه قرآن مورد اهتمام باشد.

۳. توجه به سیاق‌های به‌دست‌آمده از ترتیب سوره‌ها در دوران پیش و پس از هجرت پیامبر ﷺ و توجه به مرتبه نزولی سوره‌ها و آیات الحاقی به آنها. نگاه به نزول تدریجی قرآن و اینکه این متن در نزول تدریجی خود دارای پیام‌هایی بوده که با نادیدن هویت تدریجی قرآن از ذهن و چشم محقق دور خواهد افتاد، الزام می‌کند مفسر به حقیقت ترتیب نزول سوره‌ها توجه داشته باشد و تلاش کند به میزان اطمینان‌بخشی خود را به ترتیب واقع شده در نزول سوره‌ها نزدیک کند. با عنایت به این نکته که گاه سوره مواجه با آیات الحاقی بوده است؛ یعنی بعد از پایان نزول سوره آیاتی هرچند محدود به برخی سوره‌ها ملحق شده است، بر مفسر است این آیات را شناسایی کرده، به حکمت الحاق این آیات به سوره از سوی خدای متعال توجه دهد؛ از این رو روش

علمی تفسیر پیشرفت‌نگر حساسیت درباره آیات الحاقی است.

می‌دانیم که حکمت نزول تدریجی سوره‌ها گاه اقتضا کرده است سوره در چند قسمت و پشت سر هم به پایان رسد؛ ای کاش دسترسی به این دفعات وجود داشت و ما از مصحف مولای متقیان و آموزه‌های آن که این اطلاعات را در اختیار مفسر قرار می‌داد، محروم نبودیم. در این صورت می‌توانستیم بخش‌هایی از حکمت‌های نزول تدریجی آیات درونی سوره‌ها را با شفافیت هرچه بیشتر به دست آوریم. مولای متقیان علی (ع) می‌فرمودند:

هرچه می‌خواهید از من پرسید که به خدا سوگند از هرچه پرسید به شما گزارش می‌دهم و درباره کتاب خدا هرچه می‌خواهید از من پرسید. به خدا سوگند هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر آنکه می‌دانم در شب نازل شده یا در روز، در دشت نازل شده یا در کوه و به خدا سوگند می‌دانم هر آیه‌ای از قرآن کجا و درباره چه کسی نازل شده است؛ زیرا پروردگارم به من قلبی بسیار خردمند و زبانی بسیار پرسش‌گر بخشیده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۷، ص ۱۰۰).

به هر حال معذورات مفسر مانع از اقدام به جمع‌آوری اطلاعات میسور او نخواهد شد؛ از این رو در روش علمی تفسیر تنزیلی پیشرفت‌نگر تا حد ممکن تلاش می‌شود به تقسیمات نزول و قرائن داخلی یا خارجی مرتبط با پیشرفت‌النفات شود. این اطلاعات، شناخت‌ها و مهارت‌های لازم پیشرفت‌شناسی در قرآن را بالا می‌برد.

۴. ضرورت تقسیم مراحل نزول سوره‌ها به تبع فرایند تحول مخاطبان قرآن بر پایه آیات ۲۸ و ۲۹ سوره فتح. پیشرفت اجتماع پیرو پیامبر اکرم ﷺ در قرآن از زبان انجیل تشبیه به درختی شده که ابتدا با رشدی زیرزمینی بعد از مدتی دو برگ سبز از خاک بیرون داده، سپس قد کشیده و خود را در مقابل مخالفان نمایش داده، پس از آن ساقه کلفت کرده و غلظت پیدا کرده و در نهایت به استقلال و خودایستای در پرتو داشته‌ها رسیده است. این مراحل پیشرفت باید در روش علمی تفسیر پیشرفت‌نگر قرآن موافق با سیر نزول ۱۱۴ سوره شناسایی و مورد استفاده مفسر پیشرفت‌نگر قرار گیرند. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «پیشرفت جامعه اسلامی عرصه‌ها و راهکارها» (فصلنامه علمی

تخصصی میثاق با کوثر، ش ۳) از تقسیمات سوره‌ها به این چهار بخش سخن گفته است.
 ۵. توجه به مخاطبان آیات و نیز حتی‌المقدور شرایط محیطی و پیرامونی نزول سوره‌ها و آیات قرآن. در روش تفسیری پیشرفت‌نگر نباید از مخاطبان و جایگاه اعتقادی و شور و شعور ایمانی آنها یا معارضان و کفر و کفران آنها و الزاماتی که گفتگوی پیشرفت‌مآل قرآن با آنها داشته، غفلت کرد؛ زیرا پیشرفت در قرآن رفت و برگشت و حرکتی دارای «الگوریتم» است. مخاطبان در این رفت و برگشت‌ها و حرکت غیرخطی نقش دارند و مفسر باید این ویژگی را در روش علمی تفسیر پیشرفت‌نگر قرآن مورد عنایات قرار دهد؛

۶. تقویت روایات در باب ترتیب سوره‌ها و اصرار بر تقلیل حداکثری دیدگاه اجتهادی در روایت ترتیب نزول. مفسر در نگاه تفسیری پیشرفت‌نگر ابتدا باید گزارش روشنی از پیشرفت در قرآن ارائه دهد و سپس به توصیف و در مرحله‌نهایی ارزیابی و تحلیل آن پردازد. دو مرحله توصیف و تحلیل رهین درستی مرحله اول است. با توجه به این نکته بر مفسر لازم است حتی‌المقدور بر گزارش‌های منقول و روایات ترتیب نزول تکیه کند و اجتهاد وی محدود به بررسی و اتقان منقولات مربوطه باشد.

۷. اصرار بر دستاوردهای پژوهش درباره پیشرفت و تحول به عنوان تجربه تحول ماندگار و جهانی. به دلیل توافق قرآن با فطرت انسان، لازم است تا مفسر بر تفکیک ویژگی‌های عربی معاصران نزول و افزودن ویژگی‌های جامعه معاصر مفسر قرآن از راه جریان قاعده جری و تطبیق آیات قرآن تلاش کند.

۵-۱-۳. نقدی بر روش‌های تفسیر نگاری‌های پیشرفت‌نگر

بر پایه سبک برگزیده تفسیری فوق روشن می‌شود که تفاسیر پیشرفت‌نگر با این قرائتی که تقدیم شد، تفاوت‌هایی با تفسیرهای فعلی دارند. این تفاوت در چند ناحیه به قرار ذیل است:

الف) در تفسیر تنزیلی پیشرفت‌نگر به ماهیت نزول تدریجی قرآن توجه می‌شود و با پیگیری حتی‌المقدوری سیر نزول سوره‌های قرآن تلاش می‌شود از ماهیت سیر نزول،

برخی از مرادهای خدای متعال در مقوله پیشرفت را استکشاف کرد؛ اما دیگر سبک‌های تفسیری فاقد توجه به نقش تأثیرگذار اساسی نزول تدریجی و ترتیب نزول قرآن در این فرایند می‌باشد. همین نقص موجب است بخش قابل توجهی از مرادهای نهفته در قرآن از دسترس پژوهشگر خارج شود.

ب) فقدان توجه مؤثر به تربیت و تحول در قرآن به مثابه فرایند و مباحث تربیتی به مثابه یک سیستم؛ مفسران گاه تمرکز غیرلازم بر ادبیات و مباحث کلامی و علمی و عمومی کرده‌اند یا اکتفا به نکته‌های بریده و غیرپیوسته درباره تحول، پیشرفت و تربیت داشته‌اند.

ج) فقدان تمرکز بر ترکیب معنادار مفاهیم اسلامی و بررسی نسبت و تناسب و تقدیم و تأخرهای آنها در نظام قرآنی.

د) کم‌عنایتی به مباحث مکی و مدنی و مراتب نزول سوره در ترتیب نزول و کم‌توجهی به تناسب نزول سوره‌ها در ترتیب نزول و حداکثر تمرکز بر تناسب بین مصحفی.

ه) فقدان نگاه جامع‌نگر به مجموعه آیات و سوره قرآن و تمرکز عمده بر تفسیر تک‌آیه‌ای یا چندآیه‌ای (جز در موارد استثنایی مثل علامه در المیزان و سعید حوی در الاساس).

ز) فقدان رعایت سیاق‌ها در تفسیر موضوعی به میزانی که پیشرفت را در آنها رصد و تحول را در پیوست آیات سوره رصد کنند.

ح) فقدان تلاش برای کشف نظام‌واره‌های موضوعی مفاهیم قرآن و تلاش برای تبعیت‌دادن سازمان پژوهش‌های قرآنی بر پایه نظامات علمی مثل دانش کلام و یا تقسیمات عقل‌پسند مفسر.

۶-۱-۳. منهج صحیح مفسر در تفسیر ترتیبی تنزیلی پیشرفت‌نگر

بهره از نتایج تغییر سبک به تفسیر تنزیلی سوره‌ای با اتخاذ منهج مناسبی که مفسر اتخاذ می‌کند، بالا می‌رود. به این منظور مراحل ذیل را در تفسیر ترتیبی تنزیلی که در تفسیر

همگام با وحی به موقع اجرا گذاشته‌ایم، پیشنهاد می‌کند:

۱. تفسیر سوره‌ها با توجه به گزارش منسجم و سازوار سوره با اطلاعاتی مربوط به شناسه سوره مثل مکی و مدنی و آیات استثنایی و بررسی حکمت آنها.

۲. تلاش برای شناخت هدف و غرض مستقیم سوره و تشریح ساختار سوره با نگاهی مفصل‌بندی‌شده، پستی و ماکتی و نیز بررسی تناسب و ارتباط بین سوره‌ای در ترتیب نزول.

۳. بررسی گام تحول در سیر نزول قرآن و تفکیک آن از چالش‌های احتمالی موجب نزول سوره یا آیات. مراد از گام تحول موضوعی است که واکنش‌های مختلف اجتماع مخاطبان مستقیم قرآن را در پی داشته است و در صورت فقدان آن، دلیلی برای درگیری‌ها و مطالب دیگر سوره یا حتی برخی سوره‌های همجوار نبود.

۴. تقسیم سوره به اجزایی که با محور غرض سوره و بخش تقسیم شده‌اند و در صورت لزوم در داخل سوره موضوعات آن غرض‌های بخش به چند قسمت تقسیم کرده است.

۵. تفسیر آیات با توجه به نظم آیه در هندسه سوره و قرآن؛ رفع ابهام آیات با عنایت به ترتیب نزول سوره‌ها؛ توجه به تنزیل و خارج کردن مباحث تطبیقی و بیان آن در بخش فراتفسیر؛ توجه زیاد به متعلق مفاهیم و مورد نزول آیات با توجه به سیاق آیات و اسباب نزول و بیان مقصود آیه و در نهایت بیان مراد آیه.

۶. بیان تطبیقات آیات و مباحث سوره با توجه به شرایط پس از نزول یا معاصر مفسر.

۷. بیان روش‌ها و تکنیک‌های تحول و پیشرفت که در سوره به کار گرفته شده و روش پیگیری هدف کلان سوره یا برخی موضوعات ذیل آن را نمایان می‌کند.

۷-۱-۳. منهج صحیح مفسر در تفسیر موضوعی تنزیلی پیشرفت‌نگر

تفسیر موضوعی بر مدار سؤال شکل می‌گیرد؛ مسئله به مفسر الزام می‌کند چه سبکی را پیگیری کند؛ سؤالاتی که درباره روش‌های پیشرفت و رشد و تحول در قرآن باشد از راه تفسیر موضوعی تنزیلی پاسخ می‌گیرد. در سبک تفسیر موضوعی تنزیلی اجرای مراحل ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. تبیین مسئله و مفهوم نیازمند مطالعه موضوعی در سپهر آیات قرآن؛ مسائل گاه از درون قرآن مثل روش تربیت خداآوری در قرآن یا از بیرون قرآن مثل روش کسب قدرت سیاسی در قرآن بررسی می‌شوند. پژوهش موضوعی در این مفاهیم، اگر از داخل قرآن باشد، با مطالعه مستقیم قرآن و اگر از بیرون باشد، با عرضه مؤلفه‌ها و شاخص‌های مفهوم و اصطلاح علمی تولیدشده در بیرون به قرآن شروع می‌شود.

۲. استخراج مجموعه آیات مرتبط با مسئله؛ وظیفه مفسر در این مرحله تهیه جداولی از آیات شامل ردیف، نام سوره، ترتیب نزول، متن آیه و شماره آیه و ملاحظات به منظور ثبت نمایه آیه یا توضیحاتی که مفسر لازم می‌داند، می‌باشد. این جداول را می‌توان بر پایه مراحل تحول در قرآن به مکی و مدنی یا تقسیمات کوچک‌تر زمانی تفکیک کرد. شایان تذکر است در تهیه جداول مذکور صرفاً به کلمات و واژگان اکتفا نمی‌شود، بلکه با مطالعه مستقیم به گردآوری آیات مرتبط با موضوع از راه سیاق‌ها و مصادیق و نمونه‌ها توجه می‌شود. در رویکرد پیشرفت‌مدار، به تناسب سؤالات مرتبط باید به روش‌ها و مراحل و مراتب تبیین مفهوم، روش‌های ارزش‌گذاری یا منهدم‌ساختن ضدارزش، کیفیت هنجارسازی و نهادینه‌شدن و آسیب‌شناسی‌ها توجه کرد.

۳. بررسی زمینه‌ها و عناصر مقدماتی؛ ورود حکیمانه خدای متعال به بحث معارف و توصیه‌ها نباید مورد غفلت قرار گیرد. مفسر در تفسیر موضوعی تنزیلی باید بداند که با فرایند بلکه فرایندهایی در فرهنگ‌سازی و پیشرفت روبه‌روست. در سیر نزول، مباحثی مقدماتی فرد و جامعه را آماده کرده است مسئله جدید مورد استقبال قرار گیرد. شناخت زمینه‌ها و مقدمات که حال نقش شرایط تبیین عنصر جدید معرفتی یا دستوری را بازی

می‌کنند، از بین تمام عناصر پیش‌گفته بر مسئله مورد بحث نیاز به تأمل و دقت دارد؛ برای مثال پوشش اسلامی در سوره احزاب که نزولش در مدینه و در مرتبه ۹۰ از سوره‌های قرآن بوده است، اتفاق افتاده است. پیش از این سوره صدها موضوع قرآنی دیگر بیان شده است. طبعاً تمام مطالب نازل‌شده در ۸۹ سوره پیش‌زمینه‌ها و مقدمات بحث پوشش نمی‌باشند؛ حال کدام یک از موضوعات پیش‌گفته شرط و زمینه‌ساز دستور مؤمنان به پوشش است. به منظور پاسخ به این پرسش چاره‌ای نیست جز آنکه در آیات مربوط به پوشش اسلامی دقت کنیم و کنایات و اشاراتی در آیه‌های نص یا ظاهر در مسئله پوشش را شناسایی و درباره آنها مطالعه کنیم؛

۴. مهندسی معکوس آیات نازل‌شده؛ پس از شناسایی زمینه‌ها و بر اساس مهندسی معکوس، لازم است مفسر به سوره‌های گذشته رفته، سیر مربوط به زمینه‌ها را مطالعه و بررسی کند تا بداند با چه تمهیداتی زمینه در جان افراد و جامعه نهادینه شد تا بر پایه آن پیشرفت درباره موضوع مورد پژوهش در تفسیر رصد و روش‌ها و تکنیک‌های پیشرفت در آیات بازشناسی شود. با این اقدام می‌توان مجموعه آیات مرتبط با مسئله پژوهش را شناسایی کرد و با بررسی حکمت تقدم برخی مفاهیم دینی هم عرض یا طولی درباره کیفیت پیشرفت در مسئله مورد پژوهش اظهارنظر کرد.

۵. شناخت و تنظیم مراحل تبیین، ارزش‌گذاری، هنجارسازی، پایش و مراقبت؛ پس از شناسایی آیات مرتبط با زمینه‌ها و تشخیص کیفیت پیوند آنها با مفهوم مورد بحث در مسئله اصلی پژوهش، مجموعه آیات مرتبط با موضوع تا پایان نزول قرآن از جنبه نقشی که در تبیین، ارزش‌گذاری، هنجارسازی و در نهایت پایش و مرلقت دارند، بررسی خواهد شد. البته اگر موضوع پژوهش درباره مفاهیم ضد ارزشی و کیفیت کنارزدن آنها در مسیر پیشرفت جامعه باشد، طبعاً انتظار می‌رود قرآن با این ضد ارزش در مراحل چون کیفیت تبیین ضد ارزشی بودن آن، کیفیت هنجارزدایی از عنصر مورد بررسی و پایش و مراقبت از برگشت ضد ارزش به جامعه و مردم، مطالعه خواهد شد.

۶. بررسی کیفیت هنجارسازی و گسترش و نهادینه ساختن مفهوم مورد پژوهش در سیر نزول سوره‌ها؛ هر یک از مراحل پیشرفت در موضوع مورد مطالعه جداگانه مطالعه

خواهد شد. بر پایه آن تکنیک‌ها، شیوه‌ها و خرده‌روش‌هایی درباره هر کدام اجرا شده است که مفسر در تفسیر موضوعی تنزیلی علاقه به دانستنش دارد. در این مرحله باید مرادهای خدای متعال در موارد مذکور به تفصیل بررسی و با ملاحظه جایگاه آیه در سوره و نیز مراحل پیشرفت مردم مکی و مدنی و شیوه‌ها و تکنیک‌ها و راهکارهای پیشرفت را از آیات استخراج کرد. تمام تلاش مفسر در این مرحله باید بر این پایه باشد که با استفاده از شواهد و قرائن داخلی و خارجی حتی‌المقدور به ظهورات قرآن نزدیک شود و از استحسان‌ها فاصله بگیرد.

۷. بررسی کیفیت پایش و مراقبت بر آورده دین درباره مسئله مورد پژوهش در سیر نزول سوره‌ها؛ انتظار هست هر یک از عناصر مورد مطالعه در قرآن در تمام مراحل پیشرفت آسیب‌شناسی شده باشد؛ همچنین دور از انتظار نیست که پس از استقرار و تثبیت یک معرفت و ارزش درباره پایش و مراقبت از دستاوردها توصیه‌هایی عام یا خاص صورت گرفته باشد. لازم است مفسر در این مرحله از این جنبه‌ها آیات را مطالعه و بررسی کند.

۲-۳. تأویل متن الزام‌بایسته دوم (عینیت و شخصیت مباحث قرآنی)

قرآن اصرار دارد مطالب خود را از بیان مجموعه قضایای حقیقیه به قضایای واقعی و عینی تبدیل کند. به همین دلیل مخاطبان آیات قرآن عبارت‌اند از افرادی از معاصران قرآن که در جامعه مشرک مکی یا ایمانی مدنی نقش بازی کردند؛ همچنان‌که قرآن اصرار دارد مطالبش در مستوای عرب معاصر نزول و تعبیری تنزل یافته و ملموس برای آنها بیان شود؛ از این رو در قرآن شاهد تشابهات در کنار محکمت آیات هستیم. با این بیان روشن می‌شود که در تفسیر باید تلاش کرد به فهم آیات با توجه به معاصران و شرایط محیطی و فرهنگی آن روزگار نزدیک شد و از این راه کف و مقدار اولیه فهم را به دست آورد، سپس با دانش‌های بشر که بر پایه پیشرفت به دست آمده‌اند، ابعادی از فهم جدید را به فهم کهن افزود و سپس برداشت‌های این مقطع را الگویی برای تحول

و پیشرفت عصری قرار داد.

بایسته دوم در نگاه تحولی و پیشرفت‌نگر به قرآن موجب می‌شود فضای گفتگوی قرآن با معاصران نزول نقش ساخت مدل و الگو را بازی می‌کند. تحول بر پایه تجربه و تدبیر شکل می‌گیرد. اصولاً فرایند تحول مبتنی بر تجربیات و اهداف جدید است و قرآن می‌تواند تأمین‌کننده مدل تحول معنوی و دینی در مخاطبان و جوامع الحاقی به گروه معاصران باشد: «وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (جمعه: ۳).
 تأویل پیشرفت‌نگر از معاصران نزول به جوامع دیگر نیازمند فرایندی است که از آن در اصطلاح تفسیری با عنوان «جری و تطبیق» یاد می‌شود. این عملیات سرّ تداوم حضور کامل و اثرگذار قرآن در فرهنگ‌ها و عصرهای و مردم مغایر و متأخر از نزول قرآن است.

لازم است یادآوری گردد که قرآن کتابی جهانی و برای همه انسان‌ها و نسل‌ها و زمان‌هاست و در حصار تنگ زمان و فرهنگ و محیط نمی‌ماند؛ در غیر این صورت «ما هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» (مدثر: ۳۱) و «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» (مدثر: ۳۶) نبوده. البته به دلیل اینکه قرآن کلامی است به منظور ایجاد تحول و تغییر عملی در مخاطبان، مطالب خود را در قالب جامعه معاصر نزول عینی و عملی ساخت تا تربیت و پیشرفت در این اصلاح رفتار مردم به وسیله دین در یک نمونه عینی مشاهده و رصد شود و از فضاهای ذهنی و انتزاعی فاصله بگیرد؛ از این رو در فرهنگ شیعی و از زبان امام صادق علیه السلام وارد شده که «نزل القرآن باياك اعني و اسمعي يا جاره» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۰، ح ۱۴). خدای متعال از راه گفتگو با معاصران نزول با دیگر مردم سخن گفته است. معاصران نزول ترکیب از ویژگی‌های مشترک با دیگرانسان‌ها در فطرت و آفرینش و ویژگی‌هایی در خلق و خوی محیطی و فرهنگی دارند؛ چنان‌که مردم دیگربلاد و کشورهای معاصر نزول قرآن و نیز مردمی که بعدها پیام قرآن را در طول تاریخ دریافت کرده‌اند، شرایط محیطی و اقلیمی خاص خود را داشته‌اند. پس از اتمام مطالعه تفسیری در تفسیر ترتیبی و موضوعی تنزیلی بر مفسران لازم است درباره انتزاع ویژگی‌های عصری مردم عربی و چالش‌های مخصوص آنها تلاش کنند؛ آن‌گاه مفاهیم کلیدی و دستاوردهای مشترک و

مستخرج از قرآن را با توجه به مقتضیات محیطی و شرایط اقلیمی جوامع جدید ترکیب کرده و توصیه‌ها و برنامه‌های پیشرفت را با استفاده از قرآن پیاده نمایند. در این خصوص باید مطالعات مشترکی بین مفسران و دانشمندان علوم مردم‌شناسی و انسان‌شناسی و نظایر آن صورت بندد.

۱-۲-۳. حکمت استفاده از تجربه پیشرفت معاصران نزول به عصر حاضر

روشن است تحول فرایند رشد غنی‌شدن و متبلورساختن توانایی‌ها، حرکت از ظرفیت به فعلیت، تغییری مثبت رو به جلو از وضع نامطلوب به وضعیت مطلوب یا از وضعیت مطلوب به وضعیت بهتر می‌باشد. تحول بر پایه تجربه و تدبیر شکل می‌گیرد. فرایند تحول مبتنی بر تجربیات گذشته و اهداف جدید است. گفته شده است تحول معمولاً از طریق افرادی شکل می‌گیرد که در سازمان‌های دیگر تجربه کرده‌اند و به اندازه کافی جرئت دارند که از این تجربیات در جهت تحول در نهادها و سازمان‌های دیگر استفاده کنند یا افرادی در سازمان که آمادگی ایجاد تحول را دارند.

قرآن یکی از بهترین تجربه‌ها در شکل‌دهی روند تحول دینی و معنوی است؛ تجربه‌ای که می‌تواند در جوامع جدید کارآمد باشد و با ملاحظه دقیق مؤلفه‌ها، ابعاد، روش‌ها، آسیب‌ها و چالش‌های معاصر نزول تکلیف پژوهشگران و مدیران این عرصه را درباره پیشرفت ایرانی روشن کند. در این نگاه معاصران نزول، گروه موضوع تحول قلمداد می‌شوند و مردم پس از آنها که در فرهنگ‌های دیگر زندگی می‌کردند و لابد تفاوت‌هایی با معاصران نزول دارند، با الگوگرفتن از برنامه تحول این گروه و همانندسازی‌های هوشیارانه و در سایه پالایش و پیرایش ملامت‌های محیطی معاصران نزول و کشف مشترکات انسانی و فطری آنها و بومی‌سازی مسائل و برنامه تحول قرآن در جوامع هدف، این تجربه را در ساحت زندگی‌های جدید بازسازی می‌کنند.

با عنایت به این مطلب باید توجه داشت که تفسیر از نگاه تاریخی شروع می‌شود؛ اما قرآن را در تاریخ دفن نمی‌کند. موافق روایت امام صادق علیه السلام که پیش از این اشاره شد، قرآن از همان زمانی که نازل شده بود، درحالی‌که با مخاطبان معاصر و مستقیم سخن

می‌گفت، با غیر آنها نیز سخن گفته است؛ از این رو بر مفسران است برای کشف مرادهای خدای متعال در فضاهای جدید فرهنگی با اجرای قاعده جری و تطبیق به تطبیق قرآن بر شرایط جدید اهتمام ورزند. البته در این فرایند مباحث نظری مهمی وجود دارد که باید به آنها پاسخ داد. این مقال جای بررسی آنها نیست (جهت اطلاع، ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۱، بخش دوم، ص ۸۷-۱۳۱).

در اینجا لازم می‌دانم بر ضرورت مطالعه آسیب‌شناختی جامعه‌ای که هدف پیشرفت است، تأکید کنم. اصولاً این سبک تفسیری واکنشی آسیب‌شناختی به اجتماع مردم دارد. مطالعه آسیب‌شناختی جامعه‌ای که هدف پژوهش است، نقشی پسینی دارد. لازم است ابتدا وضعیت موجود جوامع بررسی و فاصله آنها تا وضعیت پیشرفت‌یافتگی مطالعه شود. سپس برای حرکت جامعه از وضعیت نامطلوب به سمت پیشرفت‌یافتگی مطلوب اقدام شود.

۲-۲-۳. امکان توسعه الگوی پیشرفت معنوی و دینی قرآن به دیگر ابعاد پیشرفت

امکان سرایت مؤلفه‌های پیشرفت در قرآن به دیگر ابعاد پیشرفت، در گرو تشخیص میزان تشابه و هماهنگی ابعاد گوناگون پیشرفت معنوی، دینی با دیگر ابعاد مختلف زندگی، پیشرفت فکری و غیر آن است. هماهنگی مدل پیشرفت قرآنی با فطرت و ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها و نگاه جامعی که قرآن به انسان و ساحات‌های مختلف پیشرفت دارد، به ما امکان می‌دهد مدل به‌دست آمده از قرآن را با روش‌های دیگری که برای پیشرفت در ابعاد مختلف گفته شده به عنوان یک تجربه موفق بررسی و مطالعه کنیم؛ چنان‌که ابعاد گوناگون پیشرفت هرچه به عنوان مباحث ضمنی و استلزامات دینی در قرآن مورد توجه و اشاره بوده است. در نتیجه می‌توان به نحو موجهه جزئی‌ه از آن استفاده کرد؛ اما مسلم است که ابعاد پیشرفت معنوی و دینی قرآن حداقل نقش پیوست فرهنگی پیشرفت‌های دیگری را دارد و رعایت عدم منافات دیگر ابعاد پیشرفت با آن ضرورت دارد.

۴. نمونه‌ای از دستاوردهای روش‌شناسی پیشرفت‌پژوهی قرآنی

تفسیر تنزیلی پیشرفت‌نگر به رصد تحول مردم در قرآن پرداخته است. این تحول در دو ساحت قابل بازشناسی است؛ در ساحت اول مؤلفه‌های پیشرفت دینی و معنوی مردم بر پایه تحول همه‌جانبه‌شناسایی و رابطه تقدم و تأخر بین آنها شناسایی و ارزیابی شده است. تفسیر ترتیبی تنزیلی این فرصت را به وجود آورد تا لیستی از عناصر پیشرفت را شناسایی کنیم. این عناصر را در تفسیر همگام با وحی «گام تحول» نامیدیم و در مقدمه سوره‌هایی که شامل این گام‌ها بود، از این گام‌های تحولی یاد کردیم. شایان ذکر است مراد از گام تحول اقدامات پیش‌برنده خدای متعال در قرآن از جامعه عصر پیامبر است. این گام‌ها به گونه‌ای است که دیگر مباحث سوره یا سوره‌های بعد، گرد آن دور می‌زند و به‌طور عمده موافقان دعوت پیامبر را در نظر داشته است. چالش‌های معارضان با پیامبر و اقداماتی که به منظور تقویت و تسلی خاطر آن حضرت صورت گرفته، بر محور گام‌های تحول دور زده است؛ سعی شده است گام‌های مورد اشاره از ویژگی عربی مردم فاصله داشته باشد و با جنبه انسانیت مخاطبان در ارتباط باشد؛ از این رو ستون فقرات تحول و پیشرفت معاصران نزول باشند و قابلیت سرایت به دیگر جوامع و عصرها را داشته باشند؛ برای مثال در سوره علق که اولین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم ﷺ است، گام آشنا ساختن مردم با پروردگار و صاحب اختیار شایسته تشریح شده و بیان داشته است با یادآوری نعمت‌های بی‌نظیر پروردگار به مردم، آنها را برای تسلیم و ترک سرکشی در برابر برنامه دین آماده کنند (ر.ک: علق: ۱-۶ / بهجت‌پور، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۷). در سوره دومی که بر پیامبر نازل شد، گام دوم مطرح می‌شود و آن اینکه تسلیم در برابر پروردگار چه انجامی و سرکشی در برابر وی چه فرجامی خواهد داشت (ر.ک: قلم: ۳۱-۳۲ / بهجت‌پور، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۶) این دو گام که پشت سر هم قرار بگیرند، روشن می‌شود که در دعوت مردم ابتدا باید گام نخست در دستور کار مریبان و مدیران باشد و گام دوم بلافاصله باید به مخاطبان اطلاع داده شود.

درباره این دو گام می‌توان به چالش‌های احتمالی پیش روی مریبان و مدیران

فرهنگی توجه کرد؛ چالش‌های احتمالی آن را رصد و شناسایی کرد و برای برخورد با آنها پیش‌بینی‌های لازم و اقدامات مناسب را موافق آنچه در باقیمانده آیات سوره علق و آیات سوره قلم صورت بسته است، تدبیر کرد.

در باب تحول جامع مردم به اصولی پایدار و حکیمانه برای تغییر و تحول رسیده‌ایم؛ برای مثال کلید و رمز اقدام به پیشرفت و تحول را تکیه بر ربوبیت توحیدی و لوازم آن دانسته‌ایم و بر پایه این کلیدواژه تحولات و واکنش‌های منفی و مثبت را رصد و با مرکز قراردادن این مفهوم دیگرباورها و کفرها را گرد آن مفصل‌بندی کرده‌ایم. گفتمان رقیب را با محوریت شرک ربوبی شناسایی و مفصل‌بندی آن را بر پایه این اصل شناسایی و راه‌های تضعیف و حذف آن را از صحنه زندگی مردم کشف کرده‌ایم. در تفسیر تنزیلی موضوعی به قدرت مهندسی قرآن در سبک‌سازی فردی و اجتماعی رسیده‌ایم و صنعت فرهنگ‌سازی را از زمینه‌ها تا ارزش‌گذاری و سپس هنجارسازی و مراقبت و پایش کشف و در موضوعاتی مثل پاکدامنی، پوشش، اهداف قرآن و تربیت توحیدی شناسایی کرده‌ایم.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن دمشقی؛ تاریخ مدینة دمشق؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن عربی، محی الدین؛ تفسیر القرآن الکریم؛ تهران: ناصر خسرو، [بی تا].
۳. اردبیلی، احمد بن محمد؛ زبدة البیان فی الاحکام القرآن؛ تهران: المكتبة الجعفریة لاحیاء الآثار الجعفریة، [بی تا].
۴. ایازی، سید محمدعلی؛ المفسرون، حیاتهم و منهجهم؛ چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۶. بهجت پور، عبدالکریم؛ تفسیر تنزیلی؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۷. —؛ تفسیر فریقین: تاریخ، مبانی و اصول؛ چ ۱، قم: آثار نفیس، ۱۳۹۱.
۸. —؛ درآمدی بر اصول تحول فرهنگی (با الهام از نزول تدریجی قرآن)؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۹. —؛ همگام با وحی؛ قم: مؤسسه تمهید، ۱۳۹۳.
۱۰. —؛ «پیشرفت جامعه اسلامی در قرآن عرصه‌ها و راهکارها»؛ فصلنامه علمی تخصصی میثاق با کوثر؛ ش ۳، پاییز ۱۳۹۵.
۱۱. جصاص، احمد بن علی؛ احکام القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ ج ۱ (قرآن در قرآن)، چ ۲، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۱۳. حوی، سعید؛ الاساس فی التفسیر؛ چ ۶، قاهره: دار السلام، ۱۴۲۴ق.
۱۴. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ ج ۴، چ ۲، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷.
۱۵. زمخشری، جارالله محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل؛ قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۶. سبحانی، جعفر؛ مفاهیم القرآن (تفسیر موضوعی)؛ تحقیق جعفر الهادی؛ مؤسسه امام صادق علیه السلام، [بی تا].
۱۷. —؛ منشور جاوید؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۰.
۱۸. سروش، عبدالکریم؛ قبض و بسط تئوریک شریعت؛ چ ۳، تهران: صراط، ۱۳۷۳.
۱۹. سلمی، ابو عبدالرحمان؛ مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی (بخش هایی از حقائق التفسیر و رسائل دیگر)؛ ج ۱-۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
۲۰. سید قطب، قطب بن ابراهیم؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۱. شاکر، محمد کاظم؛ روش های تأویل قرآن؛ چ ۳، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۲۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ تفسیر القرآن الکریم؛ تصحیح محمد خواجهی؛ قم: بیدار، ۱۳۶۱.
۲۳. صدر، محمد باقر؛ المدرسة القرآنیة؛ قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۴۲۱ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۲۶. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: [بی تا].

۲۸. عبده، محمد و محمدرشید رضا؛ تفسیر المنار؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۲۹. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ تصحیح رسولی محلاتی؛ تهران: المكتبة العلمیه اسلامیة، ۱۳۸۰ق.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۱. فرات، فرات بن ابراهیم؛ تفسیر فرات کوفی؛ تحقیق محمد کاظم؛ چ ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۲. فضل الله، سیدمحمد حسین؛ تفسیر من وحی القرآن؛ بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ تحقیق سیدطیب موسوی جزائری؛ قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۵.
۳۵. طنطاوی، ابن الجوهری؛ الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم؛ تصحیح محمد عبدالسلام شاهین؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.
۳۶. مدرسی سیدمحمدتقی؛ من هدی القرآن؛ تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۳۷. مراغی، احمد بن مصطفی؛ تفسیر المراغی؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن؛ قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۳.
۳۹. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر الاثری الجامع؛ چ ۱، قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۳.
۴۰. —؛ علوم قرآنی؛ چ ۱، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام قرآن؛ قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۵.
۴۲. مؤدب، سیدرضا؛ روش های تفسیر قرآن؛ چ ۱، قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۰.
۴۳. نووی، محیی الدین بن شرف؛ المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج؛ بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۸ق.
۴۴. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].